

تسبیح در قرآن (بخش دوم)



تسبیح در قرآن

(قسمت دوم)

حسن صادقی

عَلَّتْ تَسْبِيحٌ لِّافْتِنٍ

الف) مرحوم صدر المتألهين معتقد است، تمامی موجودات از جهت طبیعت و اراده و عقل متوجه و لایبند به سوی حق تعالی هستند و این معنی در بیشتر محسوسات جوهری مشاهده می‌شود. بنابراین روشن است که هر موجودی به حسب وجود شیء، بر لوررد لار خویش که متصف به صفات جمالی و منزّه از نقایص امکان است، عارف می‌باشد و هر کس که خدا را شناخت، نا لار او را به زبان حال و یا قال و یا فعل، تسبیح و تقدیس و تنزیه می‌نماید، لاس هر موجودی به ستایش او تسبیح لوست، جز آن کس که قوه وهم - که تغییر دهنده خلقت الهی است - بر او غالب باشد. (تفسیر القرآن الکریم، ج 7، ص 147)

خلاصه نظر ایشان این است که هر موجود به خدا عارف است و هر که عارف باشد، او را تسبیح می‌کند.

ب) از نظر مرحوم علامه طباطبایی، هر موجودی دارای علم است و وجود خود را درک می‌کند و می‌خواهد با وجود خود، احتیاج و نقص وجودی خود را که سرا لایش را احاطه کرده، اظهار نماید. احتیاج و نقصی که لوررد لار و کمال او آنرا احاطه کرده است؛ لاس هر موجودی درک می‌کند که ربي غير از خدای متعال ندارد، لاس او را تسبیح می‌کند. (المیزان، ج 13، ص 125)

ج) از نظر آیت‌الله جوادی آملی: همه موجودات به نقص و عیب‌اشان آ لاهند و به موجودی منزّه از عیب و نقص ل ناهند لاند و از آن موجود، به این موجودات کمال می‌رسد و لون اینها آن مبداء هستی را منزّه از نقص و عیب می‌دانند، لذا به او تکیه کرده و او را تسبیح می‌کنند و لون از او فیض دریافت می‌کنند، تسبیح را همراه با ثنا انجام می‌دهند. (تفسیر موضوعی قرآن، ج 1، ص 241) که بنابراین نظر آیت‌الله جوادی مانند نظر مرحوم علامه طباطبایی (ره) است.

انواع تسبیح کنند لان

آیات متعددی، تمام موجودات عالم هستی را تسبیح لوی خداوند معرفی می‌کند و در برخی از موارد به

موجودات خاصی - به خاطر علل خاصی - تسبیح را نسبت می‌دهد.

1. دسته اول (آیات عامه): سوره صف، آیه 90؛ سوره حشر، آیات 1 - 24؛ سوره حدید، آیه 1؛ سوره تغابن، آیه 1؛ سوره جمعه، آیه 1؛ سوره نور، آیه 41؛ سوره انبیاء، آیه 20؛ سوره اسراء، آیه 44.

2. دسته دوم (آیات خاصه):

الف) تسبیح ملائکه: سوره رعد، آیه 13؛ سوره زمر، آیه 75؛ سوره غافر، آیه 7؛ سوره فصلت، آیه 38؛ سوره شوری، آیه 50؛ سوره بقره، آیه 30؛ سوره انبیاء، آیه 20 - 21؛ سوره اعراف، آیه 206.

ب) تسبیح رعد: رعد، 12.

ج) تسبیح فرشتگان: سوره نور، آیه 41؛ سوره انبیاء، آیه 79؛ سوره سبأ، آیه 10؛ سوره ص، آیه 18 - 19.

د) تسبیح کوهها: سوره انبیاء، آیه 40؛ سوره سبأ، آیه 1؛ سوره ص، آیه 18.

هـ) خاندان اهل بیت و مردان الهی: نور، آیه 36 - 37. در آیه یاد شده (فی بیوت) تفسیر به بیوت اهل بیت (علیهم السلام) شده است. (تفسیر نمونه، آیه 13، ص 192)

حکیم متأله، عارف والا مقام، مفسر مدقق مرحوم صدر المتالهین (ره) برای تسبیح کنندگان مراتبی قائل است، بدین شرح:

مرتبه اول: ذات احدی الهی، سیّوح قدّوس، رب الملائکه والروح.

مرتبه دوم: فرشتگان مقرب و عقول مهیمن.

مرتبۀ سوم: فرشتگان آسمانی.

مرتبۀ چهارم: فرشتگان زمینی و نفوس ناطقه (انسانی).

مرتبۀ پنجم: تسبیح بدن (جسم) و ابعاد آن. (تفسیر القرآن الکریم، ج 7، ص 148 - 149)

لازم به یادآوری است که این مراتب، هم انواع تسبیح کنندگان و هم مرتبه‌شان را بیان کرده است و دیدار اینکه، هر کدام از اینها، تسبیح ویژه‌ای برای خود دارند.

زمان تسبیح

در آیات، تعبیر متعددی درباره زمان تسبیح، وارد شده است که به چند دسته تقسیم می‌شود:

1. آیاتی که در آنها، تسبیح به صورت فعل مضارع به کار رفته است مانند: *يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ* (سوره حشر، آیه 59، ص 1) و... و در علم بیان، تبیین شده است که فعل مضارع، افاده استمرار می‌کند، در این صورت تسبیح موجودات - به طور کلی - که در چند آیه به صورت فعل مضارع آمده است، مستمر بوده و کمترین وقفه‌ای در تسبیح آنها وجود ندارد.

2. آیاتی که تعبیر *يسبحون الليل والنهار* دارد که باز بر استمرار دلالت می‌کند.

3. آیاتی که عبارت *بالغدو والأصال وبالعشي والإبكار* دارد که کنایه از استمرار تسبیح ممکنات است و برخی از مفسران در جاهای متعدد، به این مسأله تصریح کرده‌اند.

4. آیاتی که مخاطب مستقیم آن، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و مخاطب غیر مستقیم آن، تمام مسلمانان می‌باشند و به زمان‌های مخصوصی اشاره شده است:

(الف) و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (سوره ق(50)، آیات 39 - 40) برخی از مفسران، نمازهای [نَجْدًا] را به امر آیه فوق تطبیق داده‌اند، بدین ترتیب «قبل طلوع الشمس» یعنی نماز صبح، «قبل الغروب» یعنی عصر و یا ظهر و عصر، «ومن اللیل فسبّحه» یعنی مغرب و عشا، «وَأَدْبَارَ السُّجُودِ» یعنی نوافل بعد از نمازها و یا نافله مغرب. (المیزان، ج 18، ص 362) و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) برای صبح و شام، ذکر بیانی شده است، که منافاتی با تطبیق فوق ندارد.

(ب) و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (سوره طور (52)، آله 48). در تفسیر «حین تقوم» به برخاستن از مجلس و برخاستن برای نماز واجب و... آمده است، که همه اینها قابل جمع است. (تفسیر نمونه، ج 22، ص 468)

(ج) وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ النُّجُومِ (سوره طور (52)، آله 49) در تفسیر قمی و مجمع البیان «و من اللیل فسبّحه» به نماز شب و «أدبار النجوم» به نافله صبح و «ادبار السجود» که در آیه 40 سوره ق آمده است، به نافله مغرب تفسیر شده است (بنابر تفسیر روایات اهل بیت (علیهم السلام). (المیزان، ج 19، ص 25)

(د) و مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْ لَيْلًا طَوِيلًا (سوره انسان (76)، آله 26) در روایت امام رضا (علیه السلام)، تسبیح به نماز شب تفسیر شده است ولی ممکن است از قبیل بیان مصداق روشن باشد. (تفسیر نمونه، ج 13، ص 379)

(هـ) و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنَ آتَائِي اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (سوره طه (20)، آله 30) مراد از تسبیح بنا بر قول برخی، مطلق تسبیح و بنا بر قول بعضی، نمازهای [نَجْدًا] است و در برخی از روایات نیز، اذکار مخصوصی برای قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب، ذکر شده است ولی به هر حال می‌توان گفت که این تفسیرها با هم منافاتی ندارد. (تفسیر نمونه، ج 25، ص 338)

(و) و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (سوره غافر (40)، آله 55) شاید تعبیر بالعشی والابکار کنایه از استمرار باشد.

در آیات فوق، تسبیح، غالباً بر نماز تفسیر شده است و وجه آن این است که نماز مشتمل بر تسبیح است، لذا به نماز، تسبیح گفته شده است از باب (تسمیة الشيء باسم جزئه).

تسبیح در روایات

1. از ابی‌الصلاح روایت شده است که از تفسیر آیه وان من شیء إلاّ یسبح بحمده (سوره اسراء (17)، آله (44) سؤال کردم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگز تسبیح و حمد خدا می‌گوید حتی هندامی که دیواری شکاف صدایی از آن به گوش می‌رسد، آن تسبیح دیوار است. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 138)

2. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی کرد از علامت داغ گذاشتن در صورت حیوانات و تازیانه زدن به صورت آنها، زیرا آنها حمد و تسبیح الهی را انجام می‌دهند. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 138)

3. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: هیدها بندگان در صحرا و دریا صید نمی‌شود و هیدها حیوان وحشی به دام صیاد نمی‌افتد مگر به خاطر ترک تسبیح. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 138)

4. امام باقر (علیه السلام) صدای نجشگانی را شنید؛ فرمود: می‌دانید اینها می‌گویند؟ ابواحمزه ثمالی می‌گوید: عرض کردم نه، فرمود: اینها تسبیح خداوند بزرگ را می‌گویند و روزی خود را از او می‌خواهند. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 138)

5. يك روز پیامبر (صلی الله علیه وآله) نزد عایشه آمد و فرمود: این دو لباس مرا بشوی، عرض کرد: ای رسول خدا دیروز شستم. فرمود: آیا نمی‌دانی که لباس انسان نیز تسبیح خدا می‌گوید و هندامی که ترک و آلوده شده، تسبیح آن قطع می‌شود. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 138)

قطع شدن تسبیح به خاطر آلوده و کثیف شدن لباس، شاید به خاطر این باشد که موجودات تا بهره ناک و

طبیعی دارند، انسان را به یاد خدا می‌اندازند، اما هنلاًمی که بهره طبیعی خود را از دست دادند دلیل آن یادآوری از بین می‌آورد. (تفسیر نمونه، ج 12، ص 140)

مجموعه این روایات نشانگر آنست که عمومیت تسبیح موجودات همه چیز را شامل می‌شود.

فضیلت قرائت مسبّحات

از جابر نقل شده است که امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس سوره‌های مسبّحات را بخواند پیش از آنکه بخوابد، او نمیرد تا حضرت قائم (عج) را درک کند و اللّٰه بمیرد در جوار نبی اکرم (صلی اللّٰه علیه و آله) خواهد بود. (اصول کافی، ج 2، ص 126)

مسبّحات پنج سوره است: حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن. (تفسیر نمونه، ج 23، ص 293) و برخی اسرا و اعلی را نیز اضافه کرده‌اند. (اصول کافی، ج 2، ص 122)

فضیلت تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

از امام صادق (علیه السلام) منقول است که تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از هر نماز، در نظر من از هزار رکعت، در هر روز، دوست داشتنی‌تر است.

و در روایت دیگری وارد شده است که خداوند به لیزی با فضیلت‌تر از تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) عبادت نشده است. (سفینه البحار، ج 4، ص 46) و در خبر دیگری از امام باقر (علیه السلام) منقول است که هر کس تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بگوید و سلس استغفار کند، بخشیده می‌شود و در حالی که تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) 100 بار با زبان است اما در میزان هزار است و شیطان را طرد و رحمن (خدا) را خوشحال می‌کند. (سفینه البحار، ج 4، ص 47)

فضیلت تسبیح و سبحان الله و

1. از امام صادق (علیه السلام)، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که: تسبیح نصف میزان را بگردانید و تحمید تمام میزان را والله اکبر ما بین آسمانها و زمین را. (اصول کافی، ج 14، ص 268)

2. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که: کسی که بدون تعجب سبحان الله بگوید، خداوند از آن، بزرگوارتر خلق می‌کند که دارای یک زبان و دو بال است و آن تسبیح خداوند می‌کند در میان تسبیح کنندگان و ثوابش برای آن شخص نوشته می‌شود تا اینکه روز قیامت شود. و مثل سبحان الله است، الحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر. (بحار الانوار، ج 90، ص 172)

3. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که: فقرایی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند: ای رسول خدا! اغنیای مالی دارند تا عتق رقبه کنند و ما نداریم و مالی دارند تا بدان حج کنند و ما نداریم و می‌توانند صدقه بدهند و ما نمی‌توانیم و قادرند که با آن جهاد در راه خدا کنند و ما قادر نیستیم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که خدا را صد بار تکبیر بگوید، با فضیلت‌تر است از عتق صد رقبه، و کسی که خدا را صد بار تسبیح بگوید، بهتر است از دادن صد شتر برای قربانی در حج و کسی که خدا را صد بار حمد بگوید، بهترین مردم است از جهت عمل در آن روز. (اصول کافی، ج 4، ص 268)

بازرسیها:

قرآن

اصول کافی؛ کلینی، محمد بن یعقوب؛ محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد؛ دار الکتب الإسلامية؛ تهران؛ 1407 ق.

بحار الانوار؛ مجلسي، محمد؛ باقر دار إحياء التراث العربي؛ بيروت؛ دوم.

تفسير القرآن الكريم؛ صدرالدين محمد بن ابراهيم شيرازي؛ محقق: محمد خواجه؛ انتشارات بيدار؛ قم؛ 1366 ش؛ ١١١: دوم.

تفسير منشور جاويد؛ سبحاني، جعفر؛ سسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت (عليهم السلام).

تفسير موضوعي قرآن؛ جواد آملی، عبداللہ؛ اسراء؛ 1388

تفسير نمونه؛ مكارم شيرازي، ناصر؛ دار الكتب الإسلامية؛ تهران؛ 1374 ش؛ ١١١: اول.

سفينة البحار؛ قمی، شيخ عباس؛ اسوه؛ قم؛ 414 هـ؛ ١١١: اول.

شرح خطبه حضرت زهر سلام الله عليها؛ حسيني، اسيد عز الدين؛ قم؛ موسسه بوستان كتاب؛ ١١١: سزدهم؛

١١١١١.

شرح و تفسير لغات قرآن بر اساس تفسير نمونه؛ شريعتمداري، جعفر؛ مشهد؛ بنفاد و هاشميا اسلام؛

١١١١١.

لسان العرب؛ ابن منظور، محمد بن مكرم؛ محقق: جمال الدين مير داماد؛ دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر؛ بيروت؛ 1414 هـ؛ ١١١: سوم.

معجم مقاييس اللغة؛ أحمد بن فارس؛ محقق: عبد السلام محمد هارون؛ مكتب الاعلام الاسلامي؛ قم؛ 1404 هـ؛

١١١١: اول.

المفردات في غريب القرآن؛ راغب اصفهاني، حسين بن محمد؛ دارالعلم الدار الشامية؛ محقق: صفوان عدنان

داود؛ دمشق بيروت؛ 1412 ق؛ ١٤: اول.

ميزان الحكمه؛ محمد ري شهري، محمد؛ محقق: دار الحديث؛ دار الحديث؛ ١٤: الأولى.

الميزان؛ طباطبائي، سيد محمد حسين؛ دفتر انتشارات اسلامي جامعہ مدرسین حوزه علميه قم؛ قم؛ 1417 ق؛ ١٤: نجم.